**استغفارها**

**باقرزاده، علی**

مثنوی عرفانی و پهلوانی کمی دشوار می‏شود و مثنوی داستانی به درجهء درک‏ و استفادهء مردم نزدیک می‏شود.البته در نثر هم کم‏وبیش همین وضع برقرار است.

اغلب کتب تاریخ(که ویژهء طبقه خاص است)سخن،از زبان تخاطب می‏گریزد (تاریخ جهانگشای-وصاف،ظفرنامه)و در مواردی دیگر ساده و دلپذیر می‏شود. (سفرنامهء ناصر خسرو،اسرار التوحید)

بنابراین نظم و نثر فارسی هریک خصایصی ویژهء خود دارند و قابل بررسی‏ دقیق هستند اما در هر حال مقام نظم پیوسته برتر است و از رهگذر هدفی که تعقیب‏ می‏کند همواره وسیلهء بیان افکار جهانی و پایگاه اندیشه‏های بلند انسانی خواهد بود.

علی باقرزاده-مشهد

استغفارها

ای شفای علّت بیمارها پیش تو آسان،همه دشوارها ای سرور سینهء صاحب‏دلان‏ وی فروغ دیدهء بیدارها ای به کنه ذات تو نابرده ره‏ عقل‏ها،اندیشه‏ها،پندارها ای رهانیده ز طوفان بلا کشتی بی‏ناخدا را بارها ریخته باران رحمت بی‏دریغ‏ بر سر گل‏ها و پای خارها کرده از ابر کرامت بهره‏مند خشک و تر،گل‏زارها،نی‏زارها با خیال نرگس جادوی تو در ضمیر عارفان گل‏زارها می‏کنم اقرار بر یکتائیت‏ دور باد از جان من انکارها روز رستاخیز چشم پر سرشک‏ با تو و عفو تو دارد کارها تا چه خواهد عدل تو بر بنده‏ای‏ کز گنه دارد به کف طومارها گر نگردد دستگیرم مهر تو وای بر من،با چنین کردارها این تو و این لطف بی‏پایان تو این من و این بانگ استغفارها